



Research Article

A Comparative Study of the Doctrine of Predestination in Christian Theology and Special Guidance in Islamic Theology with Emphasis on the Views of Augustine and Allāma Ṭabāṭabā'ī

Jawad Raḡavi¹
Saeede Fakhar Noughani
Khadije Jafari

Redemption is one of the most important issues in the two traditions of Islam and Christianity. According to Augustine, one of the factors of redemption is predestination; in the sense that God has already chosen those who are to be saved and no one will be saved except them. Based on this view, it seems that whether a person is saved or not is not due to any other cause, but rather the chosen person is obliged to believe. He can believe by nature; because God has placed this in His destiny and chosen him. On the other hand, one of the discourses that corresponds to the discussion of predestination in Christian theology is the discussion of special guidance in Imāmī theology. There have been different interpretations about what and how special guidance is contained. The subject of this article is to examine the issue of predestination and its relationship with special guidance, with emphasis on the views of Saint Augustine and 'Allāma Ṭabāṭabā'ī. The results indicate that the doctrine of predestination from Augustine's perspective and special guidance from Allāma's viewpoint have some common aspects in terms of content. In Augustine's perspective, election means that God has separated some people and designated them for eternal life, or that God, through divine grace, has chosen some people whom He knew beforehand for salvation. In special guidance, God has created man in such a way that he has endowed his being with an innate inspiration that allows him to recognize the right belief and righteous action and to attain guidance. From the perspective of both thinkers, man's salvation and attainment of happiness are only from God, and this does not contradict human volition and free will. Despite the similarities between the two theories, it must be said that in the theory of predestination, those who are saved are those whom God has chosen from eternity and the person himself has no effective involvement in his own salvation, and therefore the position of volition and free will in this view is weakened and even a kind of inclination towards "determination" is seen. However, in special guidance, man's volition, choice and free will, his faith in God, beliefs in truth, etc. are among the factors of man's redemption and salvation.

Keywords: Divine mercy, grace, Islamic theology, Christian theology, predestination, Augustine, 'Allāma Ṭabāṭabā'ī.

1. Assistant Professor, Al-Mustafa Al-Alamiyah University.



جواد رقوی^۱
سعیده فخار نوغانی^۲
خدیدجه جعفری^۳

بررسی تطبیقی آموزه از پیش برگزیدگی در الهیات مسیحی و هدایت خاصه در کلام اسلامی با تأکید بر آرای آگوستین و علامه طباطبایی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۷ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۹/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۸ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۱۲/۱۰

چکیده

نجات‌شناسی یکی از مسائل بسیار مهم در دو سنت اسلام و مسیحیت است. از نظر آگوستین یکی از عوامل نجات، از پیش برگزیدگی است؛ به این معنا که خدا از قبل کسانی را که باید نجات یابند، برگزیده است و هیچ کس جز آنها نجات نخواهد یافت. براساس این دیدگاه، چنین به نظر می‌آید چه شخص نجات یابد و چه نیابد، مرهون سبب دیگری نیست، بلکه شخص منتخب، ملزم به ایمان آوردن است. او می‌تواند ذاتاً ایمان بیاورد؛ زیرا خداوند در تقدیرش این را قرار داده و وی را برگزیده است. ازسوی دیگر، یکی از مباحثی که با بحث از پیش برگزیدگی در الهیات مسیحی متناظر است، بحث هدایت خاصه در کلام امامیه است. درباره چپستی و چگونگی دربردارندگی هدایت خاصه، تفاسیر متفاوتی رسیده است. بررسی مسئله از پیش برگزیدگی و رابطه آن با هدایت خاصه با تأکید بر نظر سنت آگوستین و علامه طباطبایی موضوع این نوشتار است. نتایج، بیانگر آن است که آموزه از پیش برگزیدگی از دیدگاه آگوستین و هدایت خاصه در دیدگاه علامه، از نظر محتوایی وجوه اشتراک دارند. در دیدگاه آگوستین، برگزیدگی به این معناست که خداوند برخی از مردم را جدا ساخته و آنها را برای حیات ابدی معین فرموده است یا خدا از طریق فیض الهی، خود عده‌ای را که از قبل می‌شناخت برای نجات برگزید. در هدایت خاصه نیز خداوند انسان را به گونه‌ای آفریده و هستی او را با الهامی فطری همراه کرده است که می‌تواند اعتقاد حق و عمل صالح را تشخیص دهد و به هدایت برسد. از منظر هر دو اندیشمند، نجات انسان و رسیدن به سعادت تنها از ناحیه خداوند است و این با اراده و اختیار انسان منافات ندارد. باوجود شباهت‌های میان دو نظریه، باید گفت در نظریه از پیش برگزیدگی، کسانی نجات می‌یابند که از ازل، خدا آنها را برگزیده است و خود شخص در نجات خویش دخالت مؤثری ندارد و ازاین‌رو جایگاه اراده و اختیار در این دیدگاه تضعیف می‌شود و حتی نوعی اقبال به «جبر» دیده می‌شود. اما در هدایت خاصه، اختیار، انتخاب و اراده آزاد انسان، ایمان او به خداوند، عقاید حق و غیره از جمله عوامل نجات و رستگاری انسان به‌شمار می‌آید.

واژگان کلیدی: رحمت الهی، فیض، کلام اسلامی، الهیات مسیحی، از پیش برگزیدگی، آگوستین، علامه طباطبایی.

۱. استادیار گروه فلسفه و کلام، نمایندگی خراسان، جامعه المصطفی العلمیه، مشهد، ایران. j_raghavi@miu.ac.ir

۲. گروه فلسفه و کلام جامعه المصطفی العلمیه، مشهد، ایران.

۳. دکتری کلام جامعه المصطفی العلمیه. (نویسنده مسئول)

استاد به این مقاله: رقوی، جواد؛ فخار نوغانی، سعیده؛ جعفری، خدیجه (۱۴۰۴). «بررسی تطبیقی آموزه از پیش برگزیدگی در الهیات مسیحی و هدایت خاصه در کلام اسلامی با تأکید بر آرای آگوستین و علامه طباطبایی». فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های عقلی نوین، ش ۲۰، صص ۷۵-۹۶.

doi 10.22081/nir.2026.69258.1453





مقدمه

مبحث از پیش برگزیدگی^۱ و اراده آزاد، سابقه‌ای طولانی در الهیات مسیحی دارد. برخی از آباء کلیسا معتقدند خدا از قبل کسانی را که باید نجات یابند، انتخاب کرده است و کسی جز آنها نجات نخواهد یافت. از جمله قائلین به این دیدگاه، آگوستین قدیس^۲ است. براساس این دیدگاه، چه شخص نجات یابد، چه نیابد، کلام الهی را باید بپذیرد و بلکه شخص منتخب، ملزم به ایمان آوردن است. او می‌تواند ذاتاً ایمان بیاورد؛ زیرا خداوند آن را در تقدیرش قرار داده و او را برگزیده است. اگر خداوند نجات را در تقدیرش قرار ندهد و او را انتخاب نکند، آن شخص نجات نخواهد یافت. بنابراین این نجات به واسطه فیض الهی خواهد بود و فیض الهی، شرط لازم نجات است، ولی اسباب دیگری نیز برای نجات لازم است از جمله اراده و اختیار انسان.

در آیین اسلام، مفهوم نجات و رستگاری معنایی متفاوت با مسیحیت دارد؛ زیرا در اسلام گناه نخستین و تبعات آن وجود ندارد و به‌طور روشن مشخص شده است که همه انسان‌ها با ذاتی پاک و دور از هرگونه گناه و پلیدی متولد می‌شوند.^۳ در کلام اسلامی برای نجات و رستگاری انسان‌ها اصطلاح هدایت خاصه به‌کار رفته است که واژه‌ای قرآنی است. ارتباط این دو مسئله چنین است که از منظر الهیات مسیحی انسان برگزیده، نجات‌یافته است و در دیدگاه کلام اسلامی، انسانی که از هدایت خاصه بهره می‌برد، نجات‌یافته است. اهمیت طرح این بحث آن است که در نگره از پیش برگزیدگی چالش‌هایی مانند ناسازگاری این آموزه با عدالت و آزادی اراده انسان وجود دارد. در هدایت خاصه نیز درباره اینکه ملاک برخورداری از این گونه هدایت چیست، مباحثی وجود دارد. نویسنده این پژوهش به شیوه تحلیلی-توصیفی با رویکرد استنباطی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای، مقوله از پیش برگزیدگی، نجات انسان و هدایت خاصه را از دیدگاه آگوستین و علامه طباطبایی بررسی کرده است.

در مورد پیشینه بحث، مقالات و کتاب‌های چندی تدوین شده است؛ از جمله مفتاح و ربانی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «تبیین آموزه فدیة در مسیحیت و شفاعت در تشیع» به دیدگاه مسیحیت درباره برگزیدگی به‌عنوان یکی از

1 predestination

2 Saint Augustine (354-430)

۳ فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا (الروم/۳۰) - عن رسول الله (ص): كل مولود يولد على الفطرة و انما ابواه يهودانه و ينصرانه

(تصحیح الاعتقادات، ج ۱ ص ۶۱. عده الداعی و نجاح الساعی، ج ۱، ص ۳۳۲)



بررسی تطبیقی آموزه از پیش برگزیدگی در الهیات مسیحی و هدایت خاصه در کلام اسلامی
با تأکید بر آرای آگوستین و علامه طباطبایی

اوصاف نجات‌یافتگان توسط مسیح علیه السلام و شفاعت و نقش مکمل آن در رستگاری براساس کلام اسلامی پرداخته‌اند. خوشدل، روحانی و بیگدلی (۱۳۹۲) در «آموزه فیض از عهد عتیق تا آگوستین، تفاوت‌ها، شباهت‌ها» بیان می‌کنند که آموزه فیض، حلقه وصل مفاهیم اساسی مسیحیت است. طالب (۱۳۸۳) در «نجات‌شناسی از دیدگاه مسیحیت و اسلام» مسئله نجات، فلاح و رستگاری و عوامل و موانع آن از دیدگاه دو دین توحیدی بزرگ یعنی اسلام و مسیحیت را بررسی کرده است. همچنین آزادیان (۱۳۸۲) در پژوهش خود با عنوان «آموزه نجات از دیدگاه علامه طباطبایی با نگاهی به دیدگاه رایج مسیحیت» تبیین می‌کند که به یقین، نجات‌شناسی اسلامی نسبت به نجات‌شناسی مسیحی، ماهیتی متفاوت دارد. در تحقیقات یادشده، اگرچه مسئله فیض و نجات - که به عقیده «از پیش برگزیدگی» ارتباط دارد - بررسی شده است، ولی به چپستی «از پیش برگزیدگی» و نسبت آن با عقیده «هدایت خاصه» پرداخته نشده است. از این‌رو نویسنده در این پژوهش نسبت از پیش برگزیدگی و هدایت خاصه را تحلیل می‌کند و از این جهت، نوشتار پیش‌رو مسئله‌ای نو را دستمایه پژوهش قرار داده است. بنابر تحقیق صورت گرفته، با وجود شباهت‌هایی که میان این دو نظریه در سنت مسیحی و اسلامی وجود دارد، در نظریه از پیش برگزیدگی کسانی نجات می‌یابند که از قبل (در ازل) خداوند ایشان را برگزیده است و خود شخص در نجات خویش دخالت مؤثری ندارد؛ از این‌رو جایگاه اراده و اختیار در این دیدگاه بسیار تضعیف می‌گردد. اما در هدایت خاصه، اختیار، انتخاب و اراده آزاد انسان، ایمان او به خداوند، عقاید حق و غیره از جمله عوامل نجات و رستگاری انسان به‌شمار می‌آید. به نظر می‌رسد در گذشته نوشته‌ای با این عنوان تدوین نشده است یا نویسنده به آن دست نیافت.

مفهوم‌شناسی

هدایت

هدایت در لغت به معنای دلالت و ارشاد به کار می‌رود و دو گونه است: نشان دادن راه که به آن «ارائه طریق» می‌گویند و رساندن به هدف که از آن به «ایصال مطلوب» تعبیر می‌شود (طباطبایی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۴). هدایت خداوند دو نوع است: هدایت عامه و خاصه. هدایت خاصه نیز بر دو نوع است: هدایت خاصه تکوینی و هدایت خاصه تشریعی. از نظر علامه، هدایت خاصه به خداوند منتسب است و تنها از ناحیه او به بشر اعطا می‌گردد. (طباطبایی، ۱۳۶۲، ج ۱،



۴۵ و ج ۵، ص ۲۴۶). ایشان دلیل این انتساب را آیاتی بی‌شمار می‌داند؛ از جمله: «و ثبت الله الذین آمنوا بالقول الثابت فی الحیاه الدنیا و فی الآخرة» (ابراهیم/۷). منظور از «قول ثابت»، کلمه است. کلمه از این جهت بر اعتقاد و عزم راسخ استوار است که دارنده این کلمه به پای آن می‌ایستد و منحرف نمی‌گردد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، ۵۱). در حقیقت هدایت خاصه است که افراد خاص را دربرمی‌گیرد و به‌عنوان پاداش به آنان مرحمت می‌شود. خداوند در آیه ۲۸ سوره حدید ایمان‌آوردگان را به تقوا و ایمان دعوت می‌کند. پس ایمان اول یعنی ایمان به خداوند، همان هدایت اولی است که عامل هدایت انسان به ایمان دوم یعنی ایمان به پیامبر اسلام ﷺ است، ایمانی که موجب ارزانی هدایت الهی به فرد می‌گردد. در آیه ۷ سوره محمد از اعطای نصرت الهی و ثبات قدم که خود، هدایت خاصه است بحث شده است و این هدایت به یاری کردن دین خدا که همان هدایت عامه است، بستگی دارد. در این آیه نیز از دو هدایت سخن گفته شده است.

نجات

«النجاه» در لغت به معنای رهایی، خلاصی، آزادی، رستگاری، نجات و رستن (دهخدا، ۱۳۸۵، ماده نجات) و جدا شدن از چیزی آمده است. «نحوه» به معنی زمین بلند است که سیل آن را نمی‌گیرد (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۹، ۱۱۲). معنای مشترک در واژه «ن ج و»، کنار زدن و خلاص کردن است و از مصادیق آن، خلاص کردن شخص از هلاکت و کنار زدن او از محیطی است که در آن قرار دارد (حسین راغب اصفهانی، ذیل واژه نحوه). دهخدا در لغت‌نامه خویش، «نجات» را در مسیحیت و مباحث نجات ذیل اصطلاح سوتریولوژی^۱ بحث کرده است که به معنای «اصل رستگاری»^۲ و به معنای دقیق‌تر «راه رستگاری»^۳ است. این واژه ریشه‌ای یونانی دارد و معمولاً برای اشاره به نجات و رستگاری افراد به‌کار برده می‌شود و البته می‌تواند به رستگاری و نجات یک گروه نیز مربوط باشد (Ninian Smart, 2005, V.12, P.852; Wayman, 2005, V.13, P.420). برای مفهوم نجات از اصطلاح رستگاری^۴ و نیز

1. Soteriology
2. Doctrin of Salvation
3. Way of Salvation
4. Salvation



بررسی تطبیقی آموزه از پیش برگزیدگی در الهیات مسیحی و هدایت خاصه در کلام اسلامی
با تأکید بر آرای آگوستین و علامه طباطبایی

رهایی^۱ استفاده می شود (Ileana Marcoulesco, V.11, P 7640). در الهیات مسیحی رستگاری و نجات به معنای رهایی و آزاد شدن از گناه و پیامدهای آن است (Wilfred Graves, 2011, p. 5 , 22). در ادیان توحیدی به معنای ایمن ماندن از مشکلاتی است که بر اثر گناه به وجود آمده و این امر ممکن نیست مگر به لطف و بخشش الهی (Keith Yandell, 1998, V. 8, P447). در الهیات مسیحی عبارت است از عمل خداوند برای بازگرداندن انسان به موقعیت اولی اش که از آن به سبب گناه آدم هبوط کرده است (W. G. Topmoelier, 2002, V 12, P. 994). در مجموع می توان گفت واژه نجات، معنای عدمی و سلبی دارد و خلاص شدن و رهایی از سختی، درد، شر و رنج از جمله مترادف های آن است (امامی، ۱۳۹۴، ص ۱۸). در کلام اسلامی این رهایی و رستگاری با نیل به بهشت و رهایی از عذاب به دست می آید و در الهیات مسیحی با رهایی و آزاد شدن از گناه و پیامدهای آن. اما ارتباط بحث نجات با این نوشته در این است که نجات، حاصل از پیش برگزیدگی و هدایت خاصه است.

از پیش برگزیدگی^۲

از پیش برگزیدگی یکی از اصول الهیات مسیحی است. دائرةالمعارف فلسفه راتلج آن را مترادف باورهای الهیاتی مانند انتخاب الهی، مشیت الهی، علم پیشین الهی و به معنای انتخاب افرادی توسط اراده الهی برای دریافت هدیه رستگاری و نجات دانسته است و در عین حال تأکید می کند که نمی توان تعریف دقیقی از آن به دست داد. (George L. Mavrodes, 1998, V. 7, P653) از پیش برگزیدگی به این معناست که همه وقایع و به طور خاص سرنوشت نهایی روح فردی، توسط خداوند از پیش اراده شده است. (The American Heritage New Dictionary of Cultural Literacy, 2011) بعضی معتقدند خاستگاه بحث از پیش برگزیدگی کتاب مقدس است که آشکارا آن را بیان می کند و پس از آن در آثار الهی دانان کلیسا مورد توجه قرار گرفته است. (اسپرول، بی تا، ص ۲۲۲). در افسیسیان باب ۱، پولس می گوید: «ما را مبارک ساخت به هر برکت روحانی در جاهای آسمانی در مسیح، چنانکه ما را پیش از بنیاد عالم در او برگزید تا در حضور او در محبت، مقدس و بی عیب باشیم. که ما را از قبل تعیین نمود تا او را پسر خوانده شویم.» از پیش برگزیدگی که پولس در اینجا از آن صحبت می کند به انتخاب مربوط است. انتخاب و از پیش

1. Deliverance , Redemption
2. Predestination



برگزیدگی به یک معنا نیستند. انتخاب، نوعی خاصی از برگزیدگی است که به انتخاب بعضی از مردم در مسیح و پذیرفته شدن آنها در خانواده خداوند می‌انجامد؛ یعنی نجات یافتن. از منظر کتاب مقدس، خدا یک برنامه نجات دارد که در آن از ازل، کسانی را که در خانواده‌اش پذیرفته می‌شوند، انتخاب کرده است (همان). براساس این معنا، خداوند کسانی را که باید نجات یابند، از قبل برگزیده است. با این حال باید توجه کرد آنچه کتاب مقدس به آن تصریح می‌کند، می‌تواند غیر از «از پیش برگزیدگی» برخی از افراد باشد. براساس کتاب مقدس، خدا پسرش را برای همه انسان‌ها داد که معنی آن این است که خدا همه را برای نجات یافتن برگزیده است، بنابراین این دیدگاه که خدا بعضی را برای نجات برگزیده است و بعضی را نه، نمی‌تواند صحیح باشد. در کتاب مقدس از نجات همه انسان‌ها توسط مسیح سخن گفته شده است. در تیموتائوس ۴/۲ آمده است: «نجات‌دهنده ما خدا... که می‌خواهد جمیع مردم نجات یابند و به معرفت راستی گرایند.»

همه انسان‌ها یعنی، همه. او کسی را نسبت به کس دیگری برتری نداد تا سپس برای آن عده پسرش را بدهد. برعکس او پسرش را برای همه مردم داد.

حال پرسش این است که با توجه به نجات همگانی انسان‌ها توسط خداوند، چرا آموزه از پیش برگزیدگی توسط کتاب مقدس و در تفسیر آن توسط الهی‌دانان کلیسا از جمله آگوستین مطرح می‌شود؟ در توضیح باید گفت که ریشه این مسئله به گناه نخستین انسان بازمی‌گردد که موجب هبوط او از آسمان به زمین گردید. به بیان دیگر مسئله از پیش برگزیدگی بحثی کلامی است که برای چاره‌اندیشی چگونگی نجات عده‌ای خاص از گناه نخستین مطرح شده است.

۲. از پیش برگزیدگی در الهیات آگوستین

۲-۱. گناه نخستین و ارتباط آن با گناه نخستین و آموزه فیض

حقیقت نجات در مسیحیت به وضعیتی اطلاق می‌شود که انسان از مرگ روحانی و ابدی رهایی یابد و دوباره متولد شود. این رهایی به واسطه دخالت مستقیم «تجدید حیات»^۱ و به فیض خداوند و فدا کردن یگانه فرزندش، عیسی مسیح علیه السلام محقق می‌شود و انسان‌ها از مرگ روحانی و ابدی رها نمی‌شوند، مگر اینکه از گناه رها شوند. برپایه این

¹ resurgence



بررسی تطبیقی آموزه از پیش برگزیدگی در الهیات مسیحی و هدایت خاصه در کلام اسلامی
با تأکید بر آرای آگوستین و علامه طباطبایی

باور، نسل انسانی، وارث گناه آدم است و انسان‌ها نه به خاطر بدی اعمال، بلکه به خاطر آن که از نژاد و تبار آدم هستند، ذاتاً گناهکار به دنیا می‌آیند. (آگوستین، ۱۳۸۵، ص ۵۹۵) اهمیت این آموزه، آن است که بدون آن، کفار بودن عیسی مسیح علیه السلام و تصور «آدم بعدی» نامعقول جلوه می‌کند (آگوستین، ۱۳۸۵، ص ۵۹۵).

مراد از گناه ذاتی آن است که انسان‌ها بدون ترس از خدا، بدون تکیه بر او و با میل شهوانی متولد می‌شوند (دانستن، ۱۳۸۱، ص ۱۲۴). آگوستین گناه ذاتی را این گونه به تصویر می‌کشد:

در شهوت‌های پست غرق شده‌ایم. به این دلیل است که ما انسان‌ها از نیکی و صلاح متفریم. مایل به شرارت‌ها هستیم و هیچ عمل صالحی را در خودمان نمی‌توانیم انجام دهیم یا درباره آن فکر کنیم. در گذر عمر، گفتار و پندار و رفتار پلید در ما پدید می‌آید، همان‌طور که درخت فاسد میوه فاسد می‌آورد. بنابراین ما با طبیعت خود تحت غضب خداوند و در معرض مجازات عادلانه قرار می‌گیریم. (آگوستین، ۱۳۹۸، ص ۵۹۸)

به عقیده آگوستین، طبیعت انسان به‌طور کلی بر اثر گناه ناشی از هبوط، آلوده شد و گناهی که از آدم به ما ارث رسیده است، گرایش به گناه است که در نتیجه، ما به تنهایی نمی‌توانیم به سوی خدا بازگردیم. از نظر وی ماهیت بشر به علت گناه ارثی ضعیف و ناتوان شده است؛ از این‌رو قدرت تشخیص خوب و بد را ندارد، بنابراین او به نظریه ارثی‌انگاری نفس تمایل دارد. در دیدگاه آگوستین گناه نخستین یک رویداد^۱ صرف نیست بلکه یک وضعیت^۲ است. وضعیتی که خداوند به عنوان مجازات برای آدم و حوا به خاطر گناهشان تحمیل کرده است و این وضعیت موروثی بوده و هر نسلی از انسان را آلوده می‌سازد، در نتیجه این وضعیت، ذاتی است. در چنین وضعیتی لطف الهی لازم است و چاره کار، فیض خداست، فیض الهی نه تنها جهت حمایت از تصمیمات نیک انسان، بلکه برای القای انگیزه‌های نیک جهت کسب آنها ضروری است. فیض یکی از پایه‌ها و مبانی از پیش برگزیدگی است. فیض خداوند نیز در مسیح ظهور کرده است. مسیح، نماینده نژاد انسانی است که به کمال رسیده و با اطاعت خود، نافرمانی آدم را خنثی کرده است. کسانی می‌توانند از عیب موروثی بگریزند و خود را در معرض موهبت این فیض بزرگ قرار دهند که در راه خدا تلاش کنند. انسان‌ها از طریق کلیسا و با ابزار شاعیر نجات می‌یابند و مسیح، فیض رهایی‌بخش را به کسانی

^۱. event

^۲. condition



اعطا می‌کند که خداوند آنها را برگزیده باشد. برگزیدگان برای دریافت «فیض ازلی» انتخاب شده‌اند و به آن فیض استقامت اعطا می‌شود؛ به گونه‌ای که می‌توانند به اصلاح خود ادامه دهند و سرانجام به رستگاری برسند، اما کسانی که برگزیده نشده‌اند برای نجات و رستگاری خود نمی‌توانند کاری انجام دهند و هرگز نجات نخواهند یافت. (اگریدی، ۱۳۸۳، صص ۱۸۷-۱۸۸) بنابراین، تنها به وسیله فیض الهی و با فدیة پسر خدا می‌توان از میراث ناخواسته گناه، پاک شد. «یگانه امید، یگانه قوت قلب و یگانه وعده خلل‌ناپذیری که در اختیار داریم، همانا رحمت توست». (آگوستین، ج ۲، ص ۳۲۰) و ارده انسان نیز آزاد خواهد شد که میل به خوبی‌ها داشته باشد، آنها را انجام دهد و با انجام فضایل نجات یابد.

برخلاف آگوستین، پلاگیوس^۱ بر فضایل و قابلیت‌ها و استعدادهاى انسانی تأکید می‌کند. به نظر او انسان با اعتماد و تکیه بر خویش می‌تواند نجات یابد. (اگریدی، ۱۳۸۳، صص ۸۶-۸۷). پلاگیوس نگاهی متفاوت به گناه و فیض الهی دارد. او گناه نخستین و در نتیجه کفاره کیهانی را انکار می‌کند و معتقد است انسان با اراده خود از گناه آدم تقلید می‌کند. از نظر وی هیچ گناه عمومی و هیچ نجات عمومی وجود ندارد و فیض در هر زمان و برای هر کسی آماده است. (اگریدی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۷)

سخنان پلاگیوس برای آگوستین پذیرفتنی نبود، بنابراین با تأکید بر اینکه هیچ کس شایسته نجات نیست، فیض الهی را یگانه عامل تعیین‌کننده اعمال انسانی می‌دانست. «آنچه را فرمان می‌دهی عطا کن و آنچه را می‌خواهی فرمان بده». در نهایت آگوستین به این نتیجه رسید که تنها خداوند وسایل فیض را به ما می‌دهد و در استفاده از آن، ناتوان یا توانمند می‌کند. در این صورت مسئولیت نجات‌یافتگان و شکست‌خوردگان و لعنت‌شدگان متوجه خدا می‌گردد؛ زیرا در حالی که نجات آنان برایش ممکن بود، از اعطای آن خودداری کرد (استید، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۵۶).

آگوستین مسئله گناه را با اشاره به سه تمثیل مهم، بسط و گسترش می‌دهد:

۱. در تمثیل اول، گناه، نوعی بیماری ارثی تلقی می‌شود که از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد. این بیماری تنها به واسطه فیض الهی تشخیص داده می‌شود و به دست مسیح، طبیب الهی مداوا می‌شود (آگوستین،



بررسی تطبیقی آموزه از پیش برگزیدگی در الهیات مسیحی و هدایت خاصه در کلام اسلامی
با تأکید بر آرای آگوستین و علامه طباطبایی

۱۳۹۸، ص ۵۳۵).

۲. در تمثیل دوم، گناه قدرتی است که ما را اسیر خود می‌کند. اختیار بشر، اسیر قدرت گناه شده است و تنها به واسطه فیض می‌تواند آزاد شود.

۳. در تمثیل سوم، گناه، مفهومی اساساً قضایی است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. از این رو مسیح می‌آید تا باعث مغفرت و آمرزش شود. (تیسن، بی‌تا، ص ۶۸۲)

از سوی دیگر، فیض در الهیات مسیحی به جای واژه رحمت الهی به کار می‌رود. این واژه در فرهنگ قدیم یونان، معانی مختلفی داشت که عبارتند از کیفیتی که برای کسی شادی و رضایت در پی دارد یا موجب جلب علاقه او می‌شود، مهربانی و محبت کردن، تشکری که در قبال محبت دیگران از آنها می‌شود و هر سه معنا در اصطلاح‌شناسی «عهد جدید» به کار رفته‌اند. (نصرتیان، ۱۳۹۳، ص ۱۶۶)

در متون مقدس مسیحی، فیض به معنای حضور خدا و محبت عیسی مسیح علیه السلام است که به وسیله روح القدس به ایمان داران داده می‌شود تا در بخشش و رحمت شریک شوند و تمایل و قدرت برای انجام اراده خدا داشته باشند. (یوحنا، ۱۶/۳)

گفته می‌شود نخستین فردی که واژه فیض را در معنایی الهیاتی به کار برد، پولس بود. در تفکر او فیض، عامل اصلی نجات بود. فیض پروردگار از چند طریق فرد را در بر می‌گیرد که از آنها به وسایل و ابزار فیض نیز تعبیر شده است؛ مانند مطالعه کلام خدا و اطاعت از فرامین الهی، شنیدن و اعلام انجیل، دعا کردن، روزه گرفتن، پرستش مسیح، شراکت در شام خداوند (رک. تیسن، بی‌تا، ص ۲۸۶).

۲-۲. نقش از پیش برگزیدگی در نجات از دیدگاه آگوستین

بر اساس آنچه بحث شد، نجات از طریق فیض صورت می‌پذیرد و فیض سبب هدایت و در نهایت نجات انسان می‌گردد، اما آیا امور دیگری نیز در نجات دخالت دارند؟ در الهیات مسیحی از عواملی نام برده شده است که می‌توانند کار نجات‌بخش مسیح را در قلب‌های مؤمنان مسیحی فعال سازند و انسان را به رهایی و رستگاری برسانند. این عوامل را می‌توان تحت دو عنوان کلی جای داد:



الف) عواملی که از جانب خداوند اتخاذ شده‌اند که عبارتند از: برگزیدگی، دعوت، تجدید حیات، فیض.

ب) عواملی که از جانب انسان انجام می‌شوند و عبارتند از: ایمان، توبه، عمل.

از نظر آگوستین، در بین این عوامل از پیش برگزیدگی نقشی بسیار کلیدی در هدایت و نجات انسان دارد. آگوستین اعتقاد دارد برگزیدگی بر دو پایه، استوار است: نخست فیض الهی؛ و فیض خداوند همان لطف و رحمت است نسبت به بندگان گناهکار؛ یعنی خداوند گناهکاران را در حالتی که لیاقت و استحقاق ندارند، رهایی می‌بخشد. (مستر هاکس، ۱۳۷۷، ص ۶۷۵). به باور آگوستین تنها خداوند که می‌تواند انسان را از بند گرفتاری گناه ذاتی برهاند، بنابراین تنها محبت خداست که سبب انتخاب او می‌شود نه نیکی بندگان؛ زیرا همه در پیشگاه خدا فاسد و گناهکارند. (القس اندراس، ۱۸۸۸م، ص ۱۳۸). «زیرا همه گناه کردند و از جلال خدا قاصر می‌باشند و به فیض او مجاناً عادل شمرده می‌شوند، به وساطت آن فدیهای که در عیسی مسیح است.» (رومیان، ۳: ۲۳ و ۱۲۴). به نظر آگوستین، فیض، موهبتی است که خداوند آن را اعطا می‌کند، اما نه به سبب شایستگی. خداوند به خواست خود بشر را از بند گناه می‌رهاند، بنابراین فیض، هدیه است نه پاداش و به صورت رایگان در اختیار انسان برگزیده قرار می‌گیرد. «مگر اینکه رحمت و فیضی رایگانی وی (انسان) را آزاد کند.» (آگوستین، ۱۳۹۸، کتاب ۲۱، فصل ۱۲، ص ۱۰۰۷). اما خداوند نیاز ندارد موجب نجات انسان شود و تنها از روی عشق این کار را انجام می‌دهد و خود را در شخص عیسی مسیح علیه السلام متجسد می‌کند تا انسان‌ها را نجات دهد. (مک گراث، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۶۵). دومین پایه برگزیدگی، علم پیشین الهی است؛ یعنی خداوند تنها کسانی را برمی‌گزیند که می‌داند مسیح را می‌پذیرند. «خداوند ما را در مسیح و به خاطر او برگزیده است؛ به گونه‌ای که کسانی که از قبل با ایمان در مسیح جاگرفته‌اند، انتخاب می‌شوند. اما کسانی که خارج از مسیح هستند، رد می‌شوند.» (دانستن، ۱۳۸۱، ص ۱۲۹)

کتاب مقدس نیز برگزیدگی را بر اساس علم پیشین خدا استوار ساخته است. (رومیان، ۸: ۲۹) در تعریف و تفسیر علم پیشین خداوند دو رویکرد وجود دارد:

پیروان آرمینیوس^۱ معتقدند خدا می‌داند که انسان‌ها برابر دعوت او چه واکنشی از خود نشان خواهند داد و بر

1. Arminius



بررسی تطبیقی آموزه از پیش برگزیدگی در الهیات مسیحی و هدایت خاصه در کلام اسلامی
با تأکید بر آرای آگوستین و علامه طباطبایی

اساس آن، عده‌ای را که به دعوت او پاسخ مثبت می‌دهند از پیش برمی‌گزیند. اما کالونی‌ها (پیروان مکتب آگوستین) می‌گویند: خدا از ابتدا با نظر لطف و رحمت به عده‌ای می‌نگرد و آنها را برمی‌گزیند. مطابق رویکرد دوم، برگزیدگی تنها کار خداست و هیچ ارتباطی به علم پیشین الهی درباره شایستگی انسان‌ها ندارد. (لین، ۱۳۸۰، ص ۳۰۱) و این «بدان معناست که خدا برخی را از میان بشریت هیبوط کرده، انتخاب کرد. به عقیده آگوستین، بقیه افراد تعمداً به لعنت و نفرین محکوم نشدند، بلکه آنان برای نجات انتخاب نشدند.» (آگوستین، ۱۳۹۸، کتاب ۱۴، فصل ۱۳، ص ۵۹۵). بعضی، رویکرد دوم را به دلیل تغایر با عدالت الهی نمی‌پسندند و معتقدند عدالت، اقتضا می‌کند خداوند با مردم مطابق اعمال‌شان رفتار نماید. این عده می‌گویند اگر خداوند همه مردم را رها کند تا هلاک گردند، عادلانه رفتار کرده است؛ زیرا همه مردم گناهکار و مستوجب هلاکت هستند. در این صورت، برگزیدگی عده‌ای خاص از آنها موجب ظلم بر دیگران نخواهد بود، چون خدا با انتخاب نکردن دیگران، مجازات و قصاص‌شان را افزایش نمی‌دهد، بلکه رهای‌شان می‌کند تا به مکافات خود برسند، مانند هنگامی که کسی را انتخاب نکرده باشد. (القس اندراس، ۱۸۸۸م، ص ۱۳۸ و ۱۳۹). با توجه به رویکرد دوم این پرسش ایجاد می‌شود که نقش اختیار و اراده آزاد انسان در برگزیدگی از نظر آگوستین چیست؟

۲-۳. از پیش برگزیدگی، آزادی اراده و اختیار انسان

آگوستین سه معنا برای اراده بیان می‌کند: ۱. اراده به منزله حرکت اختیاری نفس ناطقه؛ ۲. قبول؛ ۳. عشق. بنا بر تعریف اول، گناه نخستین کاملاً آگاهانه و از روی اختیار انسان صورت گرفته است و با اینکه اغوای پشت آن نهفته بوده است، ولی اجباری وجود نداشته است (آگوستین، ۱۳۸۵، صص ۲۰۲، ۲۰۳). بر اساس تعریف دوم، انسان در برابر حوادثی که برای او رخ می‌دهد، منفعل صرف نیست، بلکه مسئول قبول یا رد رویدادها را خود انسان معرفی می‌کند و بر اساس تعریف سوم، اراده پذیرش آگاهانه مجموعه عشق و امیال و التزام به آنهاست. بنابراین از نظر آگوستین، اراده در عین اینکه حرکت اختیاری نفس است به سوی آنچه در پی کسب و حفظ آن می‌باشد، بر قبول آن حرکت نیز دلالت دارد و همچنین بر کانونی از عشق استوار می‌شود. به عقیده آگوستین، کیفیت اراده انسان‌ها مهم است. اراده درست و نادرست، خوب یا بد که منشأ فضیلت و رذیلت است، در انسان‌ها وجود دارد. پس از ارتکاب



گناه نخستین و هبوط انسان، اراده او فقط در ارتکاب بدی‌ها آزاد است، اما در انجام کارهای نیک، آزادی ندارد و نیازمند فیض خداوند است (آگوستین، ۱۳۹۸، ص ۵۷۹). انسان در نتیجه این فیض، برگزیده و نجات یافته خواهد بود. اراده، هنگامی آزاد است که بردهٔ رذیلت و گناه نباشد. خدا این آزادی را به اراده بخشیده است و اکنون که اراده آن آزادی را با خطای خود از دست داده است، تنها کسی که در ابتدا آن را عطا کرده است، می‌تواند آن را بازگرداند. ازاین‌رو در کلام حق می‌خوانیم: «پس اگر پسر شما را آزاد کند، در حقیقت آزاد خواهید بود.» (آگوستین، ۱۳۹۸، ص ۵۹۳) آگوستین در رسالهٔ «فیض و اختیار»^۱ بیش از همه در صدد اثبات و دفاع از اختیار بشری است. او به این فراز از کتاب مقدس استناد می‌کند که «خدا با هر کس مطابق اعمال او رفتار خواهد کرد» (Augustine, 2010, P. 183). آگوستین ابتدا استدلال سیسرو^۲ را مطرح می‌کند که اگر خدا همهٔ وقایع را از پیش می‌داند و همهٔ امور بر اساس یک نظم علی ثابت اتفاق می‌افتد، در نتیجه، هیچ چیز به ما وابسته نیست و چیزی به نام اختیار وجود ندارد. وی سپس می‌کوشد با اصرار بر اینکه «اراده‌های ما خود در ترتیب علل هستند» به این استدلال سیسرو پاسخ دهد و از این رهگذر جایی برای اراده و اختیار انسان بازنماید (Gareth B., 1998, p. 683 - 684). آگوستین همچنین استدلال می‌کند از آنجا که همهٔ خوبی‌ها از سوی خداوند است و تردیدی نیست که «ارادهٔ آزاد» یکی از خوبی‌هاست، پس ارادهٔ آزاد انسان نیز از سوی خداوند است (Augustine, 2010, P. 67). او اختیار انسان را از طریق فرایضی که برای انسان از سوی خداوند واجب شده است، اثبات می‌کند. «فرایض خداوند فی‌نفسه برای انسان فایده‌ای ندارد، مگر اینکه انسان، قدرت انتخاب داشته باشد.» (آگوستین، ۱۸۸۶، ص ۸۱۵)

در اندیشهٔ آگوستین از آنجا که همه گناهکار هستند، همه نیازمند بازخریدنند و از آنجا که همه از شکوه خدا بازمانده‌اند، همه نیازمند بازخریدنند (مک گراث، ۱۳۸۴، ص ۶۴). فیض، موهبتی الهی است که خداوند آن را اعطا کرده است، اما نه به سبب شایستگی، بلکه خداوند به خواست خود بشر را از بند گناه می‌رهاند. بازخرید تنها به مثابهٔ موهبتی الهی امکان‌پذیر است. وی تاکید می‌کند که منابع رستگاری در بیرون بشر، در خود خدا قرار دارد. (مک گراث، ۱۳۸۴، ص ۶۵)

¹ On Grace and Free Choice

² Cicero



بررسی تطبیقی آموزه از پیش برگزیدگی در الهیات مسیحی و هدایت خاصه در کلام اسلامی
با تأکید بر آرای آگوستین و علامه طباطبایی

بنابراین در دیدگاه آگوستین نجات به واسطه فیض الهی ممکن است که یکی از مبانی از پیش برگزیدگی از نظر اوست. این نظریه او، عقیده رسمی کلیسا اعلام شد. وی اختیار و اراده آزاد انسان را برای رهایی از گناه و نجات و رستگاری خویش به فیض ازلی وابسته ساخت. چون نجات از بالا می آید، پس خدا گزینش می کند. او هرکس را بخواهد نجات می دهد. بدین ترتیب هرکس نجات یافته است، از قبل خدا تصمیم به نجات او داشته است و هرکس که در گناه است، نظر خداوند این است که در گناه باقی بماند.

اندیشه های آگوستین درباره اختیار و اراده آزاد انسان را می توان به این ترتیب خلاصه کرد:

۱. آزادی فطری بشر مورد تأیید است و ما هیچ کاری را ضرورتاً و از روی اجبار انجام نمی دهیم؛

۲. اختیار انسان در اثر گناه ضعیف و ناتوان شده است، اما حذف یا نابود نشده است. برای احیای اختیار بشر تأثیر فیض الهی ضرورت دارد.

در پایان لازم است توجه گردد هنوز این پرسش بدون پاسخ مانده است که ملاک بهره مندی از فیض الهی چیست. اگر منابع فیض بیرون از انسان است چگونه بعضی از آن بهره مند می گردند و بعضی نمی گردند؟ این مسئله سنگ بنای آموزه های تقدیر دوگانه در اندیشه آگوستین است که براساس آن از پیش، انسان ها یا سعید یا شقی هستند. تقدیر ازلی تنها جایگاهی که برای انسان باقی می گذارد، تلاش برای بازخرید گناهان است؛ ازاین رو گفته می شود برخی انحرافات در تعالیم کلیسا که به نهضت پروتستان منتهی شد در این دیدگاه آگوستین ریشه دارد. اندیشه مغفرت به واسطه فیض به انحطاط کشیده شد و خرید لطف الهی جای آن را گرفت. (رک. مک گراث، ۱۳۸۴، ص ۱۳۱).

۳. هدایت خاصه در کلام علامه طباطبایی

۳-۱. هدایت و قلمرو آن در کلام اسلامی

یکی از مباحث متناظر با بحث از پیش برگزیدگی است، هدایت خاصه در سنت اسلامی است. در منابع اسلامی از دو هدایت سخن به میان آمده است؛ هدایت عامه و هدایت خاصه. هدایت عامه عبارت است از نشان دادن راه خیر و کمال. این هدایت به صورت تکوینی همه مخلوقات را دربرمی گیرد: «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه/۵۰) ولی در انسان افزون بر هدایت تکوینی در قالب تشریع نیز صورت می پذیرد. مراد از این نوع هدایت آن است



که خداوند از طریق انبیا و کتب آسمانی، راه رسیدن به مقصود را به انسان نشان داده است و انسان با اختیار خود می‌تواند آن را بپذیرد یا انکار نماید. هدایت عامه دربردارنده همه انسان‌ها می‌شوند، چه مؤمن باشد یا کافر، «این راهی است راست که به سوی من [منتهی می‌شود]». (حجر/۴۱ و ۴۲). «ما راه را به او نمودیم، یا سپاسگذار خواهد بود و یا ناسپاس. (دهر/۳). ولی هدایت خاصه، نوعی خاص از هدایت، شرط سعادت و مختص مؤمنان است؛ یعنی کسانی که از هدایت عامه از روی اختیار بهره کافی را برده‌اند. در واقع، هدایت عامه، مقدمه هدایت خاصه است و هدایت خاصه تأمین‌کننده راه کمال و سعادت اخروی است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۵).

۲-۳. هدایت خاصه از نظر علامه طباطبایی

هدایت از نظر علامه به اولی و ثانی تقسیم می‌شود. منشأ و علت هدایت اول، فطرت پاک و سلیم انسان است. این نوع هدایت بسیار مهم و حیاتی است و مبنای هدایت ثانی به شمار می‌رود و کسی که فطرت پاک خود را آلوده نکند به آن دست می‌یابد. علامه درباره چگونگی ایجاد این هدایت می‌گوید:

این وجدان همه ماست که اگر فطرت کسی سالم باشد، ممکن نیست به این حقیقت اعتراف نکند که من موجود محتاج هستم و به چیزی احتیاج دارم که خارج از ذات خودم است و همچنین غیر از من تمام موجودات و آنچه به تصور یا عقل و وهم در آید، به امری خارج از ذات ایشان محتاج هستند و آن امر و آن چیز، امری است که سلسله همه حوائج به او منتهی می‌شود، پس شخصی که سلامت فطرت داشته باشد، خواه ناخواه ایمان به موجودی غائب از حس خود دارد؛ موجودی که هستی خودش و هستی تمام عالم مستند به آن موجود است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۵)

ایشان ادامه می‌دهد: «شخص سلیم الفطره پس از اینکه به چنین موجود غیبی ایمان آورد و اعتراف کرد، فکر می‌کند این مبدأ که حتی دقیقه‌ای از حوائج موجودات غافل نمی‌ماند، چگونه ممکن است از هدایت بندگان غافل بماند و راه نجات از اعمال و اخلاق مهلک را به آنان نشان ندهد.» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۵) علامه معتقد است همین افکار و پرسش‌های ناشی از فطرت سلیم و پاک باعث می‌شود شخص سلیم الفطره به سوی توحید، نبوت و معاد هدایت گردد و در نتیجه خود را به خضوع در برابر خدای یکتا ملزم کند و در صدد جستجوی او برآید و به آن



بررسی تطبیقی آموزه از پیش برگزیدگی در الهیات مسیحی و هدایت خاصه در کلام اسلامی
با تأکید بر آرای آگوستین و علامه طباطبایی

دست یابد. علامه این نوع هدایت را هدایت نخستین می‌نامد و آن را بسیار مهم و حیاتی می‌داند.

آشکار است اراده و اختیار انسان در این نوع هدایت آشکارا قابل مشاهده است، به همین علت ایشان این نوع هدایت را به انسان نسبت می‌دهد و آن را هدایتی می‌داند که انسان آن را با اختیار خود برگزیده است. هرچند اراده خداوند نیز در چنین هدایتی دخیل است، بنابراین این نوع هدایت به خداوند و انسان قابل استناد است. (ر.ک. طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۰۰-۱۰۱)

از نظر علامه اثرات هدایت اول، موجب ایجاد اعمال و عقایدی در انسان می‌گردد که فطرت پاک فرد، عامل آن است که آن را می‌پذیرد و به آن عمل می‌کند. این اعمال و عقاید، واسطه رسیدن انسان به هدایت ثانی است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ص ۲۳۶)

هدایت نخست، سکوی پرش انسان به کمال شایسته بشریت به‌شمار می‌آید و فرد را به هدایتی دیگر سوق می‌دهد که علامه آن را هدایت ثانی (هدایت خاصه) می‌نامد. هدایت ثانی پاداش و کرامتی است که خداوند در قبال هدایت اولی به انسان ارزانی می‌کند. از نظر علامه این نوع هدایت منتسب به خداوند است و تنها از ناحیه او به بشر اعطا می‌گردد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۵؛ ج ۵، ص ۲۴۶) ایشان دلیل این انتساب را آیات بی‌شمار قرآن می‌داند؛ از جمله «و یثبت الله الذین آمنوا بالقول الثابت فی الحیاه الدنیا و فی الآخرة» (ابراهیم/۷) منظور از «قول ثابت» کلمه است. کلمه از این جهت که بر اعتقاد و عزم راسخ استوار است که دارنده این کلمه پای آن می‌ایستد، منحرف نمی‌گردد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، ص ۵۱) در حقیقت همان هدایت ثانی است که افراد خاص را دربر گرفته و به عنوان پاداش به آنان مرحمت شده است. آیه ۲۸ سوره حدید ایمان‌آوردندگان را به تقوا و ایمان دعوت می‌کند. پس ایمان اول، همان هدایت اولی است که عامل هدایت انسان به ایمان دوم یعنی ایمان به پیامبر اسلام ﷺ است، ایمانی که موجب ارزانی هدایت الهی به فرد می‌شود. در آیه ۷ سوره محمد از اعطای نصرت الهی و ثبات قدم - که خود، هدایت دوم است - بحث شده است و این هدایت به یاری کردن دین خدا - که همان هدایت اول است - منوط شده است. در این آیه نیز خداوند از دو هدایت سخن می‌گوید.

در اینجا می‌توان دو پرسش مطرح کرد: ابزار و وسیله ایجاد این هدایت از نظر علامه چیست؟ و دیگر اینکه چگونه



در انسان ایجاد می‌شود؟

درباره پرسش نخست، ایشان قرآن را ابزار این نوع هدایت معرفی می‌کند؛ زیرا ذیل آیات ۲ و ۳ سورة بقره از پنج صفتی سخن گفته می‌شود که فطرت سالم در انسان ایجاد می‌کند. ایشان می‌فرماید: «در آیات مورد بحث به دارندگان چنین فطرتی وعده می‌دهد که به زودی به وسیله قرآن آنان را هدایت می‌کند؛ البته هدایتی زاید بر فطرت ایشان» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۵)

اما درباره پرسش دوم، با بررسی آیات مختلف در این زمینه علامه صفاتی مانند شرح صدر (بقره/ ۵) و ارتقای درجه ایمان را از راه‌های ایجاد هدایت خاصه در فرد به شمار می‌آورد. علامه ذیل آیه «والذین اهتدوا زادهم هدی و اتاهم تقواهم»، «اهتدوا» را به تسلیم شدن و پیروی کردن هر حقی که فطرت سالم به سوی آن هدایت می‌کند، تفسیر کرده است. وی معنای «زادهم هدی» را این می‌داند که خداوند سبحان درجه ایمان فرد را بالا ببرد. (ر.ک. طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ۲۳۶). بنابراین از نظر ایشان زیادی هدایت که همان هدایت ثانی است، در اثر افزایش ایمان از سوی خداوند در افراد به وجود می‌آید.

۳-۳. هدایت خاصه، آزادی اراده و اختیار انسان

با توجه به مطالب بیان شده، هدایت خاصه از دیدگاه علامه منتسب به خداوند و نوعی اعطای پاداش و کرامتی از جانب اوست که از روی رحمت بی‌انتهای خویش نصیب انسان می‌کند. اما این سخن به معنای عدم تأثیر و دخالت اراده و اختیار انسان در هدایت ثانی نیست. این هدایت از نظر ایجاد و بقا، کاملاً به اختیار شخص بستگی دارد؛ زیرا: اولاً پاداشی از سوی خداوند است که در مقابل هدایت اول به فرد اعطا می‌گردد و هدایت اول نیز منتسب به خود فرد و اعمال اوست. انسان با اختیار خویش چنین هدایتی را برمی‌گزیند و شایستگی برای هدایتی دیگر را در خود به وجود می‌آورد. علامه ذیل آیه ۳۶ سورة نحل درباره هدایت الهی می‌گوید: «هدایت، تنهاوتها از ناحیه خدای تعالی است و احدی با او شریک نیست و جز او به هیچ کس دیگری منتسب نمی‌شود؛ مگر به تبع او، همچنان که قرآن خطاب به پیامبر ﷺ فرموده است: «انک لا تهدی من احببت و لکن الله یهدی من یشاء» (قصص/ ۵۶). در ادامه می‌فرماید: «این مطلب مستلزم جبر و اضطرار نیست که بنده در آن دخالتی نداشته باشد، بلکه مقدمات آن به اختیار خود



بررسی تطبیقی آموزه از پیش برگزیدگی در الهیات مسیحی و هدایت خاصه در کلام اسلامی
با تأکید بر آرای آگوستین و علامه طباطبایی

عبد است و...» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، ص ۲۴۲)

ثانیاً شکر بر بقای آن است؛ زیرا عطایای خداوند بر خلاف عطایای بشری از تحت ملکیت و سلطنت خداوند خارج نمی‌گردد. پس این طور نیست که پس از اعطای هدایت دوم برای انسان باقی بماند؛ زیرا بقای آن بر عمل بر لوازم توحید و عبودیت موقوف است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۲۴۱).

بنابراین روشن می‌گردد اگرچه این هدایت به دست خداوند است و در حقیقت فعل اوست، ولی اختیار و اراده انسان در آن نقش دارد. بنابراین در دیدگاه علامه، انتساب هدایت خاصه به خداوند موجب جبر نمی‌گردد.

۴. وجوه شباهت از پیش برگزیدگی و هدایت خاصه

۴-۱. هر دو آموزه به واسطه و میانجی نیاز دارند

از نظر آگوستین آموزه از پیش برگزیدگی به واسطه‌گری و میانجی‌گری مسیح که از آن به فیض خدا تعبیر می‌شود، نیاز دارد که بخشش او موجب نجات انسان‌های گناهکار و نجات آنان می‌گردد. عهد جدید بارها بر موضوع وساطت و میانجی‌گری عیسی علیه السلام تأکید کرده است و آن را جزو اساسی برنامه نجات انسان می‌داند. (عبرانیان، ۱۵/۹؛ اول تیموتائوس، ۵/۲). از نظر علامه و در اندیشه اسلامی هدایت بشری و رستگاری انسان بدون واسطه امکان‌پذیر است، هرچند انسان‌های ماذون از جانب خداوند و قرآن هم می‌توانند واسطه هدایت باشند.

۴-۲. هر دو آموزه، مبتنی بر اذن الهی هستند

نجات فقط با لطف و فیض خداوند انجام می‌شود. از پیش برگزیدگی و هدایت خاصه هر دو از جانب خداوند اجرا می‌گردد.

۴-۳. هر دو آموزه، فعل خداوند هستند

از پیش برگزیدگی و هدایت خاصه هر دو فعل نجات‌بخش خدا هستند، اما در برگزیدگی از طریق فیض؛ یعنی مسیح و ابزار دیگر، انسان‌ها را از زیر بار گناه و بدبختی‌ها نجات می‌دهد؛ در حالی که در هدایت خاصه، عمل نجات از طریق انسان‌های ماذون از سوی خداوند انجام می‌پذیرد. بنابراین در هر دو آموزه، عمل نجات توسط خداوند صورت می‌پذیرد.



۴-۴. هر دو آموزه برای نجات انسان وضع شده‌اند

هدایت خاصه و از پیش برگزیدگی هر دو از جانب وضع شده‌اند و نتیجه هر دو عبارت است از نجات انسان‌ها از گناه، بدبختی و عذاب الهی و رسیدن به رستگاری و سعادت‌مندی. در از پیش برگزیدگی خداوند انسان‌های برگزیده را به واسطه محبت و بر اساس علم پیشین خویش برمی‌گزیند و او دیگر پسرخوانده خداوند است. در هدایت خاصه نیز انسان‌های هدایت‌شده به واسطه هدایت اولی که خودشان انتخاب کردند، هدایت می‌شوند و نجات می‌یابند.

۴-۵. هر دو آموزه مبتنی بر فیض و رحمت الهی هستند

هدایت خاصه و از پیش برگزیدگی هر دو بیانگر رحمت و کرامت و مغفرت الهی هستند و در نجات‌شناسی آگوستین و علامه بسیار اهمیت دارند؛ زیرا از نظر آگوستین، خداوند بر اساس صفت رحمت خود مسیح را فدای بشریت نمود و برای شمولیت رحمت الهی برای انسان بر صلیب رفت. از دیدگاه اسلامی و بر اساس نظر علامه، رحمت خداوند برای نجات انسان جایگاه مهمی دارد و شرط لازم نجات از سوی خداوند است. اگر رحمت خاصه خداوند نباشد، عذاب از احدی برداشته نخواهد شد. «و من یصرف عنه یومئذ فقد رحمه» (انعام/ ۱۶) هر کس در آن روز از عذاب خدا نجات یابد، مشمول رحمت خدا قرار گرفته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



بررسی تطبیقی آموزه از پیش برگزیدگی در الهیات مسیحی و هدایت خاصه در کلام اسلامی
با تأکید بر آرای آگوستین و علامه طباطبایی

نتیجه گیری

در دیدگاه آگوستین و علامه نجات برای افرادی حاصل می شود که از پیش برگزیدگی و هدایت خاصه برخوردار شوند. از پیش برگزیدگی در الهیات مسیحی این گونه تفسیر شده است که خداوند برخی از مردم را جدا می سازد و آنها را برای حیات ابدی معین می کند، یا این که خدا از طریق فیض الهی، عده ای را که از قبل می شناخت، برای نجات برگزید. لکن در دیدگاه آگوستین جمع میان اراده و از پیش برگزیدگی منسوب به خدا، به گونه ای است که بعضی گمان کرده اند نافی اراده و اختیار است و همین مسئله منازعاتی را میان آگوستین و پلاگیوس به وجود آورده است.

آگوستین می کوشد جایی برای فیض در نجات انسان باز کند، نه اینکه اختیار انسان را سلب کند. اینکه نجات ممکن نباشد، مگر به فیض الهی دو احتمال را بر می تابد. نخست اینکه تنها سبب نجات، فیض الهی است و دوم اینکه فیض الهی، شرط لازم نجات است، ولی اسباب دیگری نیز لازم هستند. پس میان اینکه بگوییم انسان فقط به سبب فیض نجات می یابد یا اینکه بگوییم انسان با انتخاب خود و به مدد فیض الهی نجات می یابد، تفاوت وجود دارد. ظاهراً مراد آگوستین، گزاره دوم است و از این گزاره نفی اختیار انسان لازم نمی آید. با این حال گفته می شود تأکید آگوستین بر اینکه منابع فیض خارج از انسان است، جایگاه اراده آزاد انسان را بسیار ضعیف می کند تا جایی که گویا تلاش برای باز خرید گناه، تنها راه پیش روی انسان است. این مسئله بستری برای بروز برخی اعتراض ها علیه کلیسا در نهضت اصلاح دینی گردید.

اما علامه جمع میان اختصاص هدایت خاصه به خدا را به روشنی و با مبانی فلسفی تبیین کرده است؛ به گونه ای که جای شبهه ای باقی نمی گذارد. در هدایت خاصه خداوند انسان را به گونه ای آفریده است و هستی او را به گونه ای سرشته است که می تواند اعتقاد حق و عمل صالح را تشخیص داده و به هدایت برسد. پس از آن هدایت خاصه الهی که سبب نجات است، بر انسان جاری می گردد.

آموزه از پیش برگزیدگی از نظر آگوستین و هدایت خاصه در دیدگاه علامه از حیث محتوا و جوه مشترکی دارند. در هر دو رویکرد، مسئله هدایت و نجات شالوده است. در صورت حمل دیدگاه آگوستین بر اینکه انسان با انتخاب خود و به مدد فیض الهی نجات می یابد، این دیدگاه بسیار شبیه دیدگاه علامه مبنی بر تأثیر هدایت خاصه در نجات انسان



خواهد بود. در هدایت خاصه گفته نمی‌شود عنایت خدا جایی برای اختیار انسان باقی نمی‌گذارد، بلکه می‌گوییم بهره‌مندی اختیاری انسان از هدایت عامه موجب بهره‌مندی از هدایت خاصه می‌شود و آنگاه هدایت خاصه سبب نجات می‌گردد. بنابراین هدایت خاصه، شرط لازم نجات است، لکن سبب منحصر نیست، بلکه لازمه بهره‌مندی از آن، داشتن عمل و انتخاب درست در هدایت عامه است. در نتیجه، همان‌گونه که هدایت خاصه به عنوان شرط لازم نجات در اندیشه اسلامی مستلزم نفی اختیار نیست، ضرورت فیض در نجات نیز مستلزم نفی اراده آزاد و اختیار نیست. بنابراین با توجه به شخصیت آگوستین و مباحث فراوانی که الهی‌دانان مسیحی در این مباحث داشته‌اند، به این سادگی نمی‌توان نظریه از پیش برگزیدگی را نافی اختیار و اراده انسان دانست، بلکه همانطور که در مباحث کلام اسلامی، علم پیشین الهی با اراده و اختیار انسان جمع می‌گردد، در الهیات مسیحی نیز همین تلاش صورت پذیرفته است. اگرچه دفاع از اراده آزاد بر اساس بعضی آرای آگوستین مانند گناه نخستین و تقدیر دوگانه و انحصار منابع فیض در خارج از وجود انسان بسیار دشوارتر از دفاع از اراده آزاد بر اساس هدایت خاصه در اندیشه علامه طباطبایی است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



بررسی تطبیقی آموزه از پیش برگزیدگی در الهیات مسیحی و هدایت خاصه در کلام اسلامی
با تأکید بر آرای آگوستین و علامه طباطبایی

منابع و مأخذ

قرآن کریم

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸). لسان العرب (ج ۱۲). بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- اسپرول، آر، سی (بی تا). همه الهی دان هستند (مقدمه ای بر الهیات نظام مند).
- استید، کریستوفر (۱۳۸۰). فلسفه در مسیحیت باستان (ترجمه عبدالرحیم سلیمانی). تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب با همکاری مرکز بین المللی گفت و گوی تمدن ها.
- آگریدی، جوان (۱۳۸۴). مسیحیت و بدعت ها (ترجمه عبدالرحیم سلیمانی). تهران: طه.
- امامی، مجتبی (۱۳۹۴). نجات شناسی اسلام و مسیحیت بررسی تطبیقی قرآن و کتاب مقدس. قم: نشر کتاب طه.
- آزادیان، مصطفی (۱۳۸۵). آموزه نجات از دیدگاه علامه طباطبایی با نگاهی به دیدگاه رایج مسیحیت. قم: مرکز نشر مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- آگوستین (۱۳۹۸). شهر خدا. مترجم: حسین توفیقی (چاپ چهارم). قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- آگوستین (۱۳۸۵). اعترافات. (ترجمه افسانه نجاتی، ج ۲). تهران: پیام امروز.
- تیسن، هنری، (بی تا). الاهیات مسیحی. طاهه وس میکائیلیان. تهران: انتشارات حیات ابدی
- دانستن، لسل (۱۳۸۱). آیین پروتستان (ترجمه عبدالرحیم سلیمانی اردستانی). قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵). لغت نامه دهخدا. زیر نظر دکتر جعفر شهیدی. تهران: موسسه انتشاراتی دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین (۱۳۸۶). المفردات فی الفاظ القرآن. مصطفی رحیمی نیا. تهران: نشر سبحان
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۹). انسان از آغاز تا انجام (ترجمه صادق لاریجانی آملی). تهران: انتشارات الزهراء
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۲). المیزان. (ترجمه محمد باقر موسوی همدانی و دیگران، ج ۱). تهران: بنیاد فکری و علمی علامه طباطبایی
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق) المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- الامیرکانی. قس جیمس انس (۱۸۸۸م). نظام التعليم فی علم الالهوت القديم. بیروت: مطبعة الامیرکانی
- کرنر، ارل (۱۹۹۴م). سرگذشت مسیحیت در طول تاریخ (ترجمه آرمان رشدی). شورای کلیساهای جماعت ربانی.
- آموزشگاه کتاب مقدس
- لین، تونی (۱۳۸۰). تاریخ تفکر مسیحی (ترجمه روبرت آسوریان). تهران: نشر فروزان



- مستر هاکس (۱۳۷۷). قاموس کتاب مقدس. ج ۱. تهران: انتشارات اساطیر
- مک گراث، آلیستر (۱۳۸۴). درسنامه الهیات مسیحی (ترجمه بهروز حدادی، ج ۱). قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- نصرتیان، رئوف، قاسمی، مهدی (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی کارکرد فیض در الهیات کاتولیک و قاعده لطف در کلام شیعه. پژوهشنامه ادیان. ش ۱۵.
- مفید، محمد بن محمد، تصحیح الاعتقادات الامامیه (۱۴۱۳ق). قم: المؤتمر العالمی لألفیه الشیخ المفید.
- یاسپرس، کارل (۱۳۶۳). آگوستین (ترجمه محمدحسن لطفی، ج ۱) تهران: انتشارات خوارزمی.
- Augustine, *On the Free Choice of the Will*, edited and translated by Peter King University of Toronto, Cambridge Texts in the History of Philosophy (2010), Cambridge University.
- George I. Mavrodes, *predestination*, in Rutlage Encyclopedia of Philosophy, (1998), New York: Routlage Publication, , V.7.
- ILeana Marcoulesco, *Redemption*, in Ebcyclopedia of Religion,Lindsay Janes, (2005), second Edition, Thomson Gale Publication. W. D. V. 11.
- Keith Yandell, *Salvation*, in Rutlage Encylopedia of Philosophy, (1998), New York: Routlage Publication, , V.2, 7, 8.
- Ninian Smart, *Soteriology*, , in Ebcyclopedia of Religion,Lindsay Janes, (2005), second Edition, Thomson Gale Publication. W. D. V. 12.
- The American Heritage New Dictionary of Cultural Literacy, 2011.
- W. G. Topmoelier,(2002) *Salvation*, New Chatolic Encyclopedia, V. 12.
- Wilfred Graves, Jr., (2011) *In Pursuit of Wholeness: Experiencing God's Salvation for the Total Person* ,Shippensburg, PA: Destiny Image publication.
- Gareth B. Matthews, "Philosophy of religion: divine foreknowledge and free will: Augustine" in *Routledge Encyclopedia of Philosophy*, Version 1.0, London and New, p. 683 - 684.



پښتونستان د علومو او مطالعات فرېشنې
پرتال جامع علوم انساني